

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

واسیلی متروخین

مترجم: احمد ضیاء رهگذر

۰۸.۰۳.۰۹

## ک. ج. ب. در افغانستان

صورت مذاکره با امین صدراعظم ج.د.خ.ا. مورخ چهاردهم سپتمبر ۱۹۷۹

به تعقیب ملاقات با تره کی و آتشبارنی که در مجاورت دفتر وی صورت گرفت، بدون ضیاع وقت با امین در وزارت دفاع ملاقات نمودیم. ما مراتب تأسف عمیق خود را از مرگ ترون، شخصیکه ما میدانستیم از جمله دوستان صدیق اتحادشوروی بود و حادثه المناکی که در خانه خلق صورت گرفته بود، ابراز نمودیم. در این هنگام آواز شلیک یک گلوله تانک که در فاصله نه چندان دوری شلیک شد به گوش رسید. امین با وجود پریشانی و سراسیمگی که داشت از ما با گرمی استقبال نمود.

چون تلفونها به صورت متواتر به صدا در میآمدند و مانع صحبت ما میشدند، تصمیم گرفتیم تا دونیم ساعت بعد یعنی ساعت هفت و سی شام با هم ببینیم.

سرساعت موعود به ملاقات امین رفتیم. او از حادثه ای که در خانه خلق به وقوع پیوسته بود، چنین حکایت نمود: "تره کی صبح از من خواست تا نزدش بروم البته بدون محافظانم، که من نپذیرفتم. متعاقباً بعدازظهر وی دوباره زنگ زده از من خواست تا جهت صحبت با او نزدش بروم اینبار او به من از موجودیت رفقائی شوروی در نزدش اطمینان داد. من همراه با شش تن از محافظانم در دو موتوربه صوب خانه خلق راون شدیم. دو تن از محافظانم در کنار در دخولی اقامتگاه تره کی باقی ماندند و متباقی با من رفتند. ما به دهلیزیکه در آن یک حوض هم وجود دارد، داخل شدیم و سپس به جانب زینه ها روان گشتیم. ترون در جلو بود و به تعقیب آن وزیر، یاور خودم روان بود. زمانیکه ترون به آخرین پله زینه رسیده بود، آواز شلیک گلوله ها بلند شد. من در حالیکه در کنار دیوار خمیده بودم، با شتاب نخست خود را به دهلیز و سپس به بیرون رساندم. بعداً من برگشتم تا یاورم "وزیر" را که جراحت برداشته بود به بیرون ببرم. از آنجائیکه موتر من از کار افتاده بود به یک موتر دیگر سوار شده به وزارت دفاع آمدم. مطمئنم که آنان قصد از بین بردن مرا داشتند زیرا قبل از این نیز اضافه از صد گلوله بالای من شلیک شده است. حالا شما خود شاهد هستید و مشاهده مینمائید که تره کی چی میخواهد انجام بدهد. از قبل میدانستم که سوءقصدی علیه من برنامه

ریزی شده است. زمانیکه برای پذیرائی تره کی که از هاوانا برمیگشت به میدان هوایی رفته بودم، خود را برای آن [قربانی نمودن] آماده ساخته بودم. تره کی امروز میخواست من را به قتل برساند. واضحاً او نمیخواست مرا در حضور رفقائی شوروی به قتل برساند ولی او فراموش کرده بود تا دستور قتل من که قبلاً به افرادش داده بود را، باطل اعلام کند. به همین دلیل افراد او بالای من آتش گشودند".

ما [شورویها] مکرراً از آنچه اتفاق افتاده بود ابراز تأسف نموده، اظهار داشتیم که شرایط فعلی ایجاب خونسردی و یکپارچگی را میکند و در چنین شرایط نباید اجازه داد تا کشمکشها و ناسازگاریها شکل بگیرد. رهبران شوروی از ما تقاضا نموده اند تا ه بطور خاص به اطلاع تره کی و امین برسانیم که در شرایط کنونی وحدت و یکپارچگی حزبی بیش از هر زمان دیگر ضرور بوده، ایجاد شگاف در درون حزب و یا دولت به زیان انقلاب خواهد بود. امین گفت واضحاً انقلاب بدون موجودیت نامبرده هم توسعه میافت ولی صرفاً تا زمانیکه از حمایت رفقائی شوروی برخوردار میبود. نکته مهم اینست که قوای مسلح حاضر نیست تا اوامر تره کی را اجراء نماید در حالیکه اوامر او [امین] را پیروی مینماید.

"من سرقومندان قوای مسلح هستم. تره کی دیروز میخواست وطنجار، یکی از وفادارانش را به وزارت دفاع بفرستد ولی اینکار صورت گرفته نتوانست. بعداً وطنجار توسط تلفون با قطعات اردو تماس گرفته به قومندانها هدایت داد تا برای دفاع از تره کی و انقلاب خود را آماده سازند. در مقابل من جهت تأمین امنیت و دفع حملات احتمالی قوای تانک [علیه من] قومندانان فرقه های چهار و پانزده زرهدار را مرخص نمودم.

زمانیکه تره کی از این موضوع اطلاع حاصل نمود برایم تلفون نموده گفت که من چنین صلاحیتی را ندارم که اوامری از این قماش را صادر کنم. من برایش گفتم که تعینینی و برکناری افسران تا رتبه جگرن از صلاحیت وزیر دفاع است.

تره کی برایم گفت به حیث سرقومندان قوای مسلح برایت دستور میدهم تا در خانه خلق حاضر شوی! من حرفهائی را که دیروز برایش گفته بودم دوباره یادآور شده گفتم که من قومندان قوای مسلح هستم و نه او، ثانیاً در اردو از اوامر من پیروی میکنند و نه او".

امین همچنان اظهار داشت که پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." به زودی دایر خواهد شد و [اعضای پلینوم] با وجود مخالفت او، تره کی را از تمام وظایفش سبکدوش خواهند کرد. ما [شورویها] از جانب خود اظهار نمودیم که ما از پیچیدگی فعلی اوضاع کاملاً آگاه هستیم ولی در شرایط کنونی ضرور است تا برای حفظ منافع علیای حزب و دولت و فروکش نمودن احساسات، باید برای مدتی از تأمل کار گرفت. اتحاد شوروی معتقد است تا تره کی در رأس حزب و دولت و امین همچنان به مقام خودش باقی بماند. وحدت در رهبری حزب برای امین این صلاحیت و امکانات را میدهد تا برای منافع انقلاب کار نماید. حل مسایل حاضر را میشود به شکل خوبی به کمک حزب و دولت دریافت نمود. تره کی و امین بر سوءتفاهمات موجود میتوانند فایق آیند و مانند گذشته براساس اصل تفاهم با هم همکاری نمایند. اما اگر امین بخواهد تره کی را برکنار سازد این عمل او غیر قابل فهم خواهد بود.

امین گفت که به نظر او رفقائی شوروی در افغانستان افراد خیلی معتبر و محترمی اند و او حاضر است تا تمام مشوره های رفقائی شوروی را، ولو که با آن موافق هم نباشد، بپذیرد. ولی اگر او اینکار را نماید [حرفهای شورویها در ارتباط به سرنوشت تره کی را بپذیرد] در آنصورت او [امین] مسؤولیتی را در قبال پیامد های این اعمال به عهده نخواهد داشت.

امین میتواند آنچه قرار بود اتفاق بیفتد را پیشبینی کند. او گفت:

" حزب میدانند که بالای من صد ها بار شلیک شده است. حزب این را هم میدانند که ترون به قتل رسیده است. همه کس از قربانیان دهشت افکنیهای تره کی آگاهی دارند. در ظرف دو روز گذشته چهارتن به شمول رفقائی نزدیک من در قوای مسلح، نواب<sup>۱</sup> و سلطان گل از اگسا بقتل رسیدند و سور گل از وزارت صحت عامه ناپدید گشته است. این چند روز اخیر حزب را به لرزه درآورده است. رفقائی من در قوای مسلح به خشم آمده خواهان انتقامگیری از این خونهای ریخته شده اند. بناءً با استناد به حرفهای گفته شده دایر شدن پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." طی چند روز آینده، امریست خیلی ضروری. در این پلینوم باید تره کی بنابر معاذیر صحتی از مقام منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." استعفا بدهد. در اینصورت او میتواند پُست ریاست دولت را حفظ کند. همچنان از او بعنوان رهبر بزرگ و مؤسس حزب آنطوریکه در گذشته یاد میشد در آینده نیز یاد گردیده، با هلهله و هورا گفتنها به درقه به عمل خواهد آمد. اما تره کی یک شخص قدرت طلبی است او به من این اجازه را نداده است تا جلسات دولتی ریاست کنم. او درباره شخصیتش از اغراق و زیاده روی کار گرفته و اخیراً به ترور متوسل شده است. اما اردو به شکل خیلی واضح و روشن در مخالفت با تره کی قرار گرفته، میخواهد مخالفت خود را در مورد ابقای موصوف به پُست منشی عمومی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." اظهار کند.

از جانب ما [ شورویها ] اکیداً روی ضروری بودن اتحاد در رهبری حزب خصوصاً میان امین و تره کی تأکید صورت گرفت. امین گفت او تلاش میکند تا تره کی بتواند در پُست منشی عمومی حزب باقی بماند ولی این موضوع باعث ایجاد نارضایتیها خواهد گردید. او باردیگر به انتقاد نمودن از تره کی پرداخته او را فردی خودخواه، مستبد و مطلق العنان خوانده گفت تره کی از حزب به خاطر مقاصد شخصی اش استفاده میکند. تره کی فضای ترس و وحشت را در رهبری حزب و دولت ایجاد نموده است " من خدمات زیادی را برای او انجام داده ام ولی او در عوض سوءقصدی را علیه من انجام داد"

ما به موضوع تغییرات در دولت یعنی برکناری وطنجار، مزدوریار، گلابزوی و سروری و تعیین شدن افراد دیگر به جای آنان اشاره نمودیم. ما ملاحظه نموده بودیم که در اعلان مقرری های جدید آمده بود که این موضوع براساس موافقت تره کی صورت گرفته است. امین گفت تره کی با برکناری اشخاص فوق موافق نبود ولی به هرصورت تصمیم گرفته شد تا مانند گذشته خبر برکناری و تعیینی اشخاص جدید از آدرس تره کی اعلام گردد.

ما در اخیربار دیگر روی موضوع ضرورت یکپارچگی در حزب تأکید نمودیم. امین وعده نمود تا این نظر رفقائی شوروی را در حافظه داشته و با رفقائیش روی این موضوع حرف بزند. اما او مطمئن نبود که در این قسمت بتواند کاری را انجام دهد. امین ضمناً از تظاهراتیکه قرار بود به تاریخ پانزدهم سپتمبر در شهر کابل علیه تره کی راه اندازی شود، خبر داد. از جانب ما گفته شد که این دیگر یک عمل کاملاً نایجاست و باید از آن جلوگیری گردد. امین نیز وعده نمود تا مانع برگزاری این مظاهره شود.

[ پایان مذاکره ]

ساعت یازده قبل از ظهر پانزدهم سپتمبر باردیگر با امین وارد صحبت شدیم. ما علیه تصمیم برکناری تره کی از پُست منشی عمومی حزب صحبت نمودیم زیرا این موضوع پیامدهای بدی را برای انقلاب به دنبال خواهد داشت. امین گفت او از تشویش دوستان شوروی اش در مورد سرنوشت انقلاب کاملاً آگاهی داشته و میدانند که این یک تشویش دوستانه و به مفاد مردم افغانستان است. او مشوره ها و پیشنهادات بیرونی سیاسی کمیته مرکزی

<sup>۱</sup> نوابعلی معاون سازمان اگسا. (ویرایشگر)

"ح.ک.ا.ش"، شخص رفیق برژنف، رفیق پونوماریف، سفیر اتحادشوروی و سایر رفقائے شوروی را برای حزب و مردم افغانستان مهم و سودمند خوانده گفت: تره کی از مشورت‌های شورویها چشم پوشی نموده آنرا جامه عمل نمیپوشاند. ولی من به محض نورمال شدن اوضاع آماده ام تا در جهت عملی ساختن پیشنهادات و نظرات رهبران شوروی هر کاری را انجام. زیرا اینکار از یکطرف اتحادشوروی را قادر خواهد ساخت تا به حمایت سیاسی اش از "ج.د.خ." ادامه دهد و از طرف دیگر باعث تقویة همکاری بین قوای مسلح هر دو کشور خواهد شد. امین گفت کنار زدن تره کی باعث تقویت یکپارچگی در حزب میشود نه تضعیف آن. اما اگر تره کی در مقام خود ابقا گردد باز هم همان دوگانگی [در سیاست با شورویها] به جایش باقی مانده و این موضوع در آینده باعث ایجاد کشمکشها خواهد گردید.

زمانیکه از امین پرسیده شد تا در این باره به کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" چی گزارشی باید داده شود نامبرده گفت در شرایط کنونی قوای مسلح تقاضا میکند تا تره کی از همه وظایفش کنار برود. ضمناً پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ." که اندکی قبل دایر گردیده بود درخواست نموده است تا نباید دو نیروی مخالف در درون رهبری حزب وجود داشته باشد. از امین پرسیده شد که چرا او اکنون از کنار رفتن کلی تره کی حرف میزند در حالیکه شب گذشته او از ابقا تره کی در مقام ریاست شورای انقلابی حرف میزند. او در جواب گفت این خواسته تعدادی زیادی از رفقای در داخل حزب و قوای مسلح است.

ما بار دیگر تأکید کردیم که اینگونه تغیرات سریع و عجولانه در شرایط فعلی زیاد منطقی به نظر نمیرسد. از آنجائیکه همه کشور تره کی را به عنوان بانی و رهبر حزب و انقلاب میدانند، نباید از نتایج سیاسی کنار زدن تره کی چشم پوشید. اینکار باعث ایجاد عدم اعتماد مردم به حزب و دولت میگردد. حزب نیز تا اکنون توانائی برداشت چنین ضربه ای را ندارد و از طرف دیگر ایجاد دودستگی در حزب باعث ایجاد شک و تردید ها گشته، میتواند به نفع دشمن تمام شود. پامال ساختن عقاید و آرزو ها، موضوعیست خیلی جدی و بغرنج که پیامدهای غیر قابل پیشبینی و نامطلوبی را در پی خواهد داشت.

امین بار دیگر وعده سپرد تا در این مورد با اعضای بیروی سیاسی و سایر رفقائیش گفتگو کند. قرار بود فردای همانروز یعنی شانزدهم سپتمبر پلینوم کمیته مرکزی "ح.د.خ." جهت بررسی همین مسایل دایر شود. اما امین هنوز هم به این باور بود که کنار رفتن کلی تره کی از تمام عهده هایش بهترین راه حل بوده، امیدوار بود تا رفقائے شوروی نیز این موضوع را به درستی درک نمایند.

قرار اظهارات امین منزل تره کی تحت محافظت شدید قرار داشته هیچ کس اجازه نداشت به دیدن موصوف برود. ما همچنان اطلاع گرفتیم که ارتباطات تلفونی نیز با اقامتگاه تره کی قطع گردیده و هیچ راه ملاقاتی با موصوف وجود ندارد.

به تاریخ هفدهم سپتمبر سفیر شوروی پاولوفسکی، ابوانوف و گریلوف با امین ملاقات نموده و تیریکات رهبران شوروی را دال بر تعیین شدن موصوف به عنوان منشی عمومی حزب و رئیس شورای انقلابی ابراز داشتند. امین با اظهار سپاس و امتنان، احترامات گرم و تمنیات زیاد خود را به رهبران شوروی تقدیم نمود. از طرف آنها [رهبران شوروی] به امین مشوره جدی داد شد تا از هر نوع اقدام خشن در برابر تره کی، اقارب و حامیان موصوف خودداری نموده و از محکوم کردن تره کی صرف نظر شود. امین در جواب به این تقاضا ها گفت " ما خواهیم دید این موضوع تا چه حدی مقدور است ". از امین خواسته شد تا توضیح بدهد که منظور او از این گفته اش چه بوده است. امین در جواب گفت او به مشوره ها و پیشنهادات رهبران شوروی احترام دارد اما ایکاش رفقائے شوروی میتوانستند در پلینوم

کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و جلسه شورای انقلابی که در روز گذشته دایر شده بود حضور داشته باشند، تا خود با چشم سر مشاهده نمایند که بازداشتن اعضای کمیته مرکزی و نیروی سیاسی حزب در مورد تقاضای آنها برای محاکمه نمودن تره کی چقدر مشکل بوده است. " فقط زمانیکه من [امین] برای آنها گفتم که رفقای شوروی از این طرح [پذیرفتن استعفاى تره کی بنابر معاذیر صحی توسط اعضای کمیته مرکزی حزب] حمایت میکنند، توانستم رضایت سرد اعضای کمیته مرکزی و نیروی سیاسی را کسب کنم.

(طبیعتاً ما هرگز چنین طرحی را مطرح نکرده بودیم، بلکه عکس آن ما شدیداً خواهان ابقای تره کی در مقامهای منشی عمومی حزب و ریاست نیروی سیاسی بودیم).

امین ادامه داده گفت: " امروز تره کی با فامیلش تحت تدابیر شدید امنیتی به منزلش منتقل میگردد. و به دلیل تنفر زیادیکه در مقابل تره کی وجود دارد بیم آن میرود که موصوف هدف سوءقصدی قرار بگیرد. بناءً به خاطر دفع هر نوع سوءقصد احتمالی علیه او، منزلش نیز تحت مراقبت شدید امنیتی قرار خواهد داشت. ولی نباید چنین پنداشت که او زندانیست.

امین افزود او با رفقای شوروی در همکاری تنگاتنگ کار کرده، اقداماتی را در جهت از بین بردن اشتباهات مشهودی که صورت گرفته برداشته، شیوه و میتود کارش را نیز بهبود خواهد بخشید. او ابراز امیدواری نمود تا رفقای شوروی از طریق آموزش روح مارکسیزم - لنینیسم به اعضای حزب، به او کمک نمایند تا اعضای حزب بتوانند گامهای برگشت ناپذیری [در راه پیروزی انقلاب] بردارند. امین امیدوار بود تا افغانستان بتواند کمکهای اقتصادی شوروی را به دست آورد. او آرزومند بود تا رفقای شوروی قوای مسلح افغانستان را یاری رساند تا باشد بدین وسیله بالای دشمن غلبه حاصل گردد. او همچنان امیدوار بود تا شوروی تعداد مشاورین و کارمندان سیاسیش را در افغانستان ازدیاد بخشیده، امنیت را در افغانستان تحکیم بخشد.

افغانها یا واضحهتر گفته شود شخص امین تصویر دیگری از جریان حوادث که در خانه خلق اتفاق افتاده بود، ارائه میداشت. این موضوع را قسماً میتوان در خلال صحبتهای شاه ولی معاون شورای وزیران و وزیر خارجه، خطاب به سفرای کشورهای سوسیالیستی مشاهده نمود.

به تاریخ ششم اکتوبر شاه ولی عضو نیروی سیاسی، سفرای کشورهای سوسیالیستی را به وزارت خارجه دعوت نموده از توطئه ای که توسط تره کی سازماندهی شده بود، پرده برداشت. او گفت:

" به تاریخ چهاردهم سپتمبر تره کی از امین تقاضا نمود تا نزد او برود. اما از آنجائیکه رفیق امین میدانست که اگر آنجا برود به قتل میرسد، از رفتن نزد تره کی سر باز زد. ساعت پنج بعد از ظهر همانروز زمانیکه سفیر شوروی نزد تره کی حضور داشت تره کی بار دیگر به امین تلفون نموده خواهان رفتن او به خانه خلق شد. سفیر شوروی ذریعه تلفون به امین اطمینان داد که در صورت رفتن وی نزد تره کی هیچ خطری متوجه او نخواهد بود. تره کی میخواست امین بدون محافظینش نزد او برود ولی امین این موضوع را نپذیرفت. بالاخره تره کی موافقه نمود که امین با یک محافظ نزدش برود. دقایقی بعد امین با یک محافظ و سه یاور به خانه خلق مواصلت نمود.

تروں در مقابل و سه تن از محافظین امین در عقب او قرار داشت. زمانیکه آنها به نزدیک دفتر تره کی رسیده بودند محافظین تره کی به سوی آنها آتش گشودند. تروں جراحت شدیدی برداشت. بالای امین نیز شلیک گردید اما او توانست صرفاً با از خودگذری و مهارت محافظینش که توانستند از دیوار به حیث سیر استفاده نمایند، جان به سلامت ببرد. لازم به یادآوریست که در جریان همه این حوادث سفیر شوروی نزد تره کی موجود بود.

مسکو به صورت فوری در جریان گفته های شاه ولی قرار داده شد. از مسکو دستور داده شد تا به صورت فوری با امین ملاقات صورت گرفته در مورد حرفهای شاه ولی احتجاج صورت گرفته تقاضا به عمل آید تا این حرفها تکذیب گردد.

به تاریخ نهم اکتوبر ساعت شش بعد از ظهر پوزانوف سفیر، جنرال پاولوفسکی معاون وزارت دفاع، گوریلوف سر مشاور نظامی و بودگانوف رئیس ریزیدنسی "ک.ج.ب" با امین ملاقات نمودند. نماینده "ک.ج.ب." در گزارش خود به کریچکوف رئیس بخش استخبارات خارجی آن اداره، در مورد این ملاقات چنین نوشت: امین در جواب به سوالات ما پیرامون اظهارات تحریک آمیز شاه ولی در ملاقات وی با سفرای کشور های سوسیالیستی، گفت نمیخواهد از تشریفات و دیپلوماسی کار بگیرد بلکه میخواهد تا منحصی یک رفیق حزبی و یک برادر با ما حرف بزند. او گفت از رفقای شوروی نیز توقع دارد تا آنها نیز به عین شکل پیش آیند."

امین گفت " شما امروز ابراز تشویش نموده شاکی هستید ولی اینکار را میتوانستید درگذشته نیز انجام دهید. ما بار ها با هم ملاقاتهایی داشته ایم اما شما هیچگاهی به این مسایل اشاره ننموده اید. آنچه توسط شاه ولی در ملاقات وی با سفیران کشور های سوسیالیستی بیان شده است، به این دلیل گفته شده است که دقیقاً همان مطالب به شکل روشن و واضح به اعضای بیروی سیاسی و کمیته مرکزی "ح.د.خ." گزارش داده شده بود. اما در آنزمان رفقای ما [شورویها] به ما هیچ حرفی در اینباره نگفتند ولی امروز که از حرفهای شاه ولی مدت سه یا چهار روز میگذرد شما نزد من آمده اید. فکر کنم بهتر بود اگر رفقای شوروی برای ما میگفتند که چگونه عمل نمائیم و چه بگوئیم."

"زمانیکه جریان واقعی حوادث اتفاق افتاده در خانه خلق از طرف شورویها به امین گفته شد او گفت: مطمئنم که جریان به این شکل نبوده است. تره کی به من تلفون نموده بود و سفیر شوروی به واسطه یک ترجمان برایم گفت که در صورت رفتن من نزد تره کی مصون خواهم بود. امین گفت کاملاً مطمئن است که همین حرفها گفته شده بود. از طرف دیگر آنچه از رفقای افغان که در اطاق موجود بودند نیز حرفهای من را شنیده اند. اما اکنون طبیعتاً میتوان این حرفها را انکار کرد. من هم آماده ام تا تسلیم [نظرات و گفته های] رفقای شوروی شوم. ما همیشه آماده ایم تا نظرات شما را در ساحات دیپلوماسی و روابط بین المللی تعقیب کنیم."

امین در ادامه گفت: " صبح روز چهاردهم سپتمبر من به رفقای ب.س. ایوانوف و ل.پ. بودگانوف وضع را توضیح نموده گفتم که آنها [گروپ تره کی] میخواهند مرا بکشند.

از آنجائیکه من از خطریکه متوجه ام بود، آگاهی داشتم، روی موضوع موجودیت محافظینم پافشاری نمودم. من همانروز با محافظینم نزد تره کی رفتم، و شما خود با چشم سر دیدید که این پافشاری من غیر موجه نبود. اما در ارتباط به موضوع جریان صحبت تلفونی [ امین با سفیر شوروی] اگر رفقای شما که نزد تره کی حضورداشتند جریان آنرا به خاطر ندارند در آنصورت شخص مترجم که من با او قبل از این حادثه صحبت کرده ام باید آنرا به خاطر داشته باشد.

و اگر مترجم نیز اکنون حرفهای من را تأیید نمیکند پس اطمینان داشته باشید که هنگام رسیدن شما به سفارت شوروی او جریان این موضوع را به خاطر آورده به شما یادآور خواهد شد که آنروز چه واقع شده بود.

به هرصورت من در گفته هایم ثابت استم. آیا فکر میکنید من اشتباه کرده ام؟ آیا این اشتباه من به جنبش جهانی کمونیزم لطمه خواهد زد؟ و اگر جواب بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" به سوال فوق مثبت است در آنصورت من حاضر مشوره های شما را بپذیرم و هر آنچه را رفقای شوروی میخواهند انجام دهم. شاه ولی هیچ تقصیری ندارد. اگر گزارش من پیرامون اوضاع کشور به بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." و پلینوم کمیته

مرکزی حزب یک اشتباه بوده است، در آنصورت من مقصرم. زیرا من این گزارش را مطابق به برداشت خودم از جریان حوادث آماده نموده بودم.

اگر برای من مرگ مقرر شده است در آنصورت من با ضمیر آرام خواهم مُرد، زیرا هر آنچه را من انجام داده ام بر اساس برداشت و عقیده خودم بوده است. اگر رفقای شوروی چنین آرزو داشته باشند که من کنار بروم در آنصورت من حاضرم پلینوم کمیته مرکزی حزب را دایر نموده از سمت منشی عمومی استعفا داده، بگذارم تا شخص دیگری را به این مقام انتخاب نمایند."

امین در ادامه گفت: "با وجودیکه من به بیروی سیاسی و کمیته مرکزی واقعبیت را درباره هر آنچه واقع شده بود گفته ام، ولی فکر کنم بهتر بود اصلاً به آنها چیزی گفته نمیشد. رفقای شوروی من برداشت و نظر دیگری درباره جریان حوادث دارند و من به برداشت و نظر آنها احترام دارم. ما حاضریم تا در بخش روابط بین المللی و سیاست خارجی مشوره های شما را در این مورد که چه باید به جهانیان بگوئیم و چه نباید بگوئیم، بپذیریم. اما در باره موضوع پیش آمده من کدام خطائی را مرتکب نشده ام. آنچه را من گفته ام صرفاً باور و احساس من بوده است. تکراراً میخواهم بگویم که شاه ولی در این میان هیچ تقصیری نداشته است."

زمانیکه نماینده های شوروی خواهان این شدند که باید امین تصویری روشنتر و واضحتری از آنچه واقع شده است را ارائه نماید امین در جواب گفت: "پس در اینصورت باید من تمام رفقاء را فراخوانده برایشان بگویم هر آنچه را که تا اکنون برای شان گفته ایم نادرست بوده است؟ طبیعتاً من احترام عمیقی به رفقای شوروی دارم و حتی حاضرم چنین کاری را نیز انجام بدهم ولی آیا این یک عمل درست خواهد بود؟. آیا این به جا خواهد بود که "رساله سقصدتیره کی به جان حفیظ الله امین و شکست آن" را که به حزب و قوای مسلح توضیح شده است، دوباره جمع آوری کنیم؟ در این رساله نیز جریان وقایع به همین شکلی که من گفتم بیان شده است. جمع آوری آن نه تنها به حیثیت من به عنوان منشی عمومی حزب بلکه به تمام حزب لطمه خواهد زد."

امین در ادامه گفت: "اما اگر شما میخواهید که چنین کاری صورت گیرد در آنصورت ما دیگر حرفی نخواهیم زد. ما نگرانی رهبران شوروی را احساس میکنیم. باوجود اهمیت خاصی که جریان این حوادث برای ما دارد باز هم ما در حل این موضوع کدام مشکلی را نمی بینیم. شاید اشتباهات و سوءتفاهماتی بین ما [شورویها و امین] موجود باشد. من باوجود آنکه به درست بودن باور خود اطمینان دارم به باور و عقیده رفقای شوروی نیز احترام قایل هستم.

اگر شما چنین خواسته باشید در آنصورت من به شما پیشنهاد میکنم تا نظرات تانرا به صورت واضح و روشن بیان نموده، ادعای ما مبنی بر پناه دادن سفارت شوروی به چهار وزیر و طنجار، مزدوریار، گلابزوی و سروری را رد کنید". امین همچنان از اینکه شاه ولی در مورد ارائه تاریخ [سیزدهم به عوض چهاردهم] اشتباه نموده بود گفت حاضر است معذرت خواهی نماید.

امین در پاسخ به این ادعا که حرفهای شاه ولی میتواند توسط دشمنان دوستی افغان - شوروی به بهره برداری گرفته شود گفت: "تشویش نکنید، بگذار افراد و اشخاصی از واشنگتن به اینجا بیایند و به چشم خود ببینند که آنها قادر به خدشه وارد کردن در دوستی ما نیستند. از آنجائیکه دشمنان ما امید شانرا از دست داده اند مایوس گشته اند. من به شما قول میدهم که ما به طرف کمونیزم به پیش میرویم. درمورد دوستی و برادری بین مردم افغانستان و شوروی و احزاب کمونیست ایندو کشور نباید شکی داشت."

امین افزود: گفته های شاه ولی ارزش اینرا ندارد که در اینزمان در موردش اعتراضی صورت گرفته هیاهوی برپا شود و باعث وسعت یافتن مباحثات گردد و یا هم ارزش اینرا داشته باشد که دولت افغانستان حرفش را پس بگیرد.

واپس گرفتن این حرف توسط دولت افغانستان باعث خواهد شد تا مردم و کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." از آن استقبال بد کرده چنین تصور شود که دولت افغانستان تحت فشار شوروی دست به چنین اقدامی زده است. بهتر است تا آنها [جاناب شوروی] برداشت خود را از حادثه به سفیران کشورهای سوسیالیستی ارائه کنند. در این مورد ما کدام مخالفتی نداریم. اگر شما با کدام موردی برمیخورید میتوانید به همه بگوئید که بروید و از امین بپرسید، او در اینمورد میتواند برای تان همه چیز را بگوید !.

امین افزود: " ما در اینمورد به بیانات خود در مطبوعات اتکا خواهیم کرد. اما اگر ما بخواهیم گفته های شاه ولی را پس بگیریم اینجاست که موضوع به همه جا پخش خواهد شد. ضمناً در حزب نیز از من سؤال خواهد شد که من چی نوع رهبری هستم که میخواهم آنها را فریب بدهم. باید علاوه کنم که من نمیخواهم از نظرات و عقاید خود عدول نمایم در حالیکه دوستان شوروی شدیداً مشتاق چنین کاری اند که البته اینکار با اصول کمونیزم برابر نیست. ولی اگر ضرورت باشد من حاضرم تا تسلیم شده خلاف عقیده خود عمل کنم که اینکار خلاف ضمیر و وجدانم خواهد بود. من برای رهائی از عقاید خودم حاضرم خودکشی نموده محو شوم".

به طور خلاصه میتوان گفت که امین آماده بود تا مطابق خواسته های رهبران شوروی عمل کند ولو اگر این موضوع در مخالفت با خواسته های او قرار میداشت. به هر حال بهتر بود برای رهبران شوروی در مورد نظرات امین اطلاع بدهیم تا آنها نیز از آن آگاهی یافته، بتوانند در آینده تصمیم شانرا بر مبنای آن اتخاذ نمایند.

قابل یادآوریست که امین در جریان ملاقاتش با شورویها از قتل تره کی هیچ حرفی نزد در حالیکه خبر مرگ او ذریعه اعلامیه رسمی دولت، از قبل به آژانس باختر با این نوت که " قبل از ساعت هشت شام نهم اکتوبر امسال نشر نشود " فرستاده شده بود.

امین در جریان ملاقات، شتابزده و عصبانی به نظر میرسید. بعضی اوقات او به مشکل خشم و هیجانزده گی خود را مینمایشاند. او حرفهای جاناب شوروی را قطع نموده به آنها موقع اظهار نظر نینماد. ولی بعضاً او حواسش را جمع نموده اینطور وانمود میساخت که نمیخواهد روابطش را به طور کلی [با شورویها] قطع کند. ملاقات با امین دو ساعت را دربر گرفت".

بتاریخ سیزدهم اکتوبر گزارش مفصلی از واقعه چهاردهم سپتمبر توسط یکی از نزدیکان امین افشاء گردید.

امین باردیگر به بازگویی از بدبختی هایش در آن روز فراموش ناشدنی پرداخت. او با خشم درباره پوزانف صحبت نموده در مورد او الفاظ رکیکی را به کار برد.

امین گفت: " میدانستم که برملا ساختن تفصیلات در مورد سوء قصد سازمان یافته علیه من، بدون آنکه به پرستیژ اتحاد شوروی صدمه وارد کند، امری بود ممکن و ضروری. البته دوستی ما با اتحاد شوروی که مرام ماست نیز ایجاب مینمود تا این گزارش لطمه ای به پرستیژ اتحاد شوروی وارد نکند. اما زمانیکه سفیر پوزانف به من آشکارا دروغ گفته و ازدعوت نمودن من نزد خود که به واسطه ترجمان و از دفتر تره کی صورت گرفته بود آنهم زمانیکه او با جنرال پاولوفسکی، گوریلوف و ایوانف یکجا بود، انکار نمود، من هم این حق را دارم تا هرآنچه درباره او فکر میکنم را بگویم. دیگر نمیخواهم با او ببینم و یا با او حرف بزنم. برایم مشکل است درک کنم که چطور یک آدم دروغگو، بی ادب و بی نزاکت برای مدت درازی در اینجا ب] عنوان سفیر کار نموده است.

این موضوع که سفیر شوروی ( در این هنگام امین با آواز بلند فحش داد) میخواهد حوادث چهارده سپتمبر افغانستان را به شکل دیگری ترسیم کند و از من میخواهد تا آنرا تائید کنم، برایم خیلی ناخوشایند تمام شد. من هرگز دست به



چنین کاری نخواهم زد و روی همین دلیل هم بود که من از دوکتر شاه ولی که از تفصیلات سوءقصد علیه من آگاهی ندارد، خواستم تا سفرای کشورهای سوسیالیستی را دعوت نموده برای شان تفصیلات اندکی در اینباره بدهد.

رفیق برژنف یگانه کسیست که من به او تفصیل دلایل مخالفت خود را با تره کی، شرح مفصل توطئه سازمان داده شده و بالاخره سوءقصد علیه خود را میتوانم بگویم. رفتار و سلوک پوزانف در این حادثه واقعاً من را برآشفته ساخته است". ممکن امین چنین پنداشته باشد که او با انتقادات شدید و اظهار ناخوشنودیش از پوزانف میتواند توجه "ک.ج.ب." را به این موضوع مبذول بدارد و آنها به نوبه خود این موضوع را به مسکو اطلاع بدهند تا بالاخره در آنجا تصمیم درستی اتخاذ شود و این دقیقاً همان چیزی بود که اتفاق نیز افتاد.

پوزانوف جایشرا به تابیئف<sup>۱</sup> منشی اول کمیته محلی حزبی جهوریت خودمختار تاتار شوروی سوسیالیستی داد. در اینجا نظری می اندازیم به بخشی از یادداشتهای پوزانوف که به همین موضوع ارتباط میگیرد. این یادداشتهای از دفتر خاطرات پوزانوف گرفته شده که به تاریخ هفدهم اکتوبر توسط د.ب. روریکوف<sup>۲</sup> مترجم نوشته شده است. "بتاریخ نهم اکتوبر سال ۱۹۷۹ بنابر هدایت مسکو سفیر شوروی، پاولوفسکی، گوریلوف و بودگانف با امین ملاقات نمودند. هویدا بود که مسکو از بیانات شاه ولی وزیر امور خارجه و عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا." شدیداً رنجیده است. این بیانات شاه ولی در ملاقات وی با سفرای کشورهای سوسیالیستی در کابل صورت گرفته بود.

در این نشست سفیران کشورهای یوگوسلاویا و جمهوری خلق چین نیز حضور داشتند که این موضوع باعث گردیده بود تا حضور نمایندگان شوروی در کابل، در این مجلس تحت شعاع قرار گیرد. در این نشست گفته شد که به تاریخ چهاردهم سپتمبر سفیر شوروی پوزانوف که یکجا با نماینده های شوروی نزد تره کی حضور داشت، ذریعه تلفون به امین گفت که در صورت حاضر شدن موصوف نزد تره کی، متضمن مصونیت او میباشد.

اما این نکته واضح است که شخص سفیر شوروی از دفتر تره کی با امین تلفونی حرف نزده بود. شاه ولی همچنان تاریخ پناه آوردن چهار وزیر فراری به سفارت شوروی را، غلط ارائه نموده بود. این چهار تن بتاریخ سیزدهم سپتمبر زمانیکه هنوز نزاع در حلقه رهبری "ح.د.خ.ا." هویدا نگشته بود، به سفارت شوروی آمده بودند نه چهاردهم.

امین باید بداند که اظهارات شاه ولی نتنها از واقعیت فاصله دارد بلکه در تضاد با روابط دوستانه و رفیقانه احزاب و کشورهای ما قرار دارد. این موضوع حتماً توسط دشمنان ما در جهت صدمه واردن نمودن به اهداف انقلاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. حتی بیم آن میرود که دشمنان ما در جهت بدنام ساختن روابط افغانستان و شوروی از آن استفاده کنند. ما اصرار داشتیم تا یک تعداد از نمایندگان باصلاحیت افغان بدون ضیاع وقت به سفرای کشورهای سوسیالیستی، جریان واقعی حوادث را بیان نمایند. تا باشد بدین وسیله آثار اظهارات بی اساس شاه ولی را از بین برد.

امین بعد از شنیدن این حرفها گفت او میخواهد بدون تشریفات و به شکل دوستانه و رفیقانه حرف بزند و از ما خواست که ما نیز چنین کنیم. او گفت دوستان شوروی ما شاکی اند و آمده اند تا نگرانی شانرا برای ما اظهار نمایند،

<sup>۱</sup> فکرت تابیئف عضو کمیته مرکزی ح.ک.ا.ش که بعد از دسمبر ۱۹۷۹ بعنوان سفیر وظیفه اجرا نمود. (ویرایشگر)

<sup>۲</sup>

ولی شما میتوانستید اینکار را زودتر انجام دهید. ما چند بار با هم دیده ایم و حرفهائی با هم داشته ایم ولی شما هیچ حرفی در اینباره به من نگفتید. حرفهائی شاه ولی به سفرای کشورهای سوسیالیستی بر مبنای گزارش من [ امین ] به کمیته مرکزی و بیروی سیاسی "ح.د.خ.ا." تهیه شده بود. در آنزمان رفقای شوروی در اینمورد هیچ حرفی به زبان نیاوردند. ولی اکنون که از بیانات شاه ولی سه یا چهار روز میگذرد شما نزد من آمده اید. من از آنچه اتفاق افتاده است واقعاً متأسف هستم. این امکان وجود دارد که رفقای شوروی ما به ما بگویند که چی باید بگوئیم و چگونه باید عمل کنیم.

ما روی این نکته تاکید نمودیم که ما [ شورویها ] قبل از حادثه ای که در محل بود و باش تره کی رخ داد با کسی تلفونی صحبت نکرده بودیم. اما بعد از برخوردیکه در اقامتگاه تره کی صورت گرفت جهت رفع سوءتفاهمات تصمیم گرفته شد با امین ملاقات صورت گیرد. به همین دلیل سفیر شوروی با امین از طریق ترجمان تلفونی صحبت نمود.

امین گفت " من اطمینان دارم که قضیه به این شکل نبوده است. به گمان من جریان واقعه چنین بود : به تاریخ چهاردهم سپتمبر قبل از این حادثه تره کی برایم تلفون نمود. سفیر شوروی از طریق ترجمان برایم گفت که من میتوانم نزد تره کی با خاطر آرام بروم و هیچ خطری مرا در آنجا تهدید نخواهد کرد. من کاملاً اطمینان دارم که حرفهائی گفته شده به همین شکل بوده است. نزد من تعدادی از رفقای افغان نیز حضور داشتند که حرفهائی من را شنیده اند. خوب البته حالا انکار از این موضوع ناممکن نیست. به هرصورت من به رفقای شوروی احترام دارم و ما همیشه حاضریم تا مشوره های شان در بخشهای دیپلوماتیک و روابط بین المللی را بپذیریم".

پاولوفسکی گفت تمام کسانی که در روز چهارده سپتمبر نزد تره کی موجود بودند به جز از ب.س. ایوانوف اکنون اینجا حضور دارند. ما همه یکبار دیگر تاکید میکنیم که در روز مذکور قبل از حادثه از جانب سفیر شوروی از دفتر تره کی با هیچکسی صحبت تلفونی صورت نگرفته است.

امین چنین ادامه داد: " صبح روز چهارده سپتمبر من به رفقاء ایوانوف و بودگانوف اوضاع را تشریح نموده برای شان گفتم که آنها میخواهند مرا بکشند. من نزد تره کی با محافظینم رفتم. زیرا که من خطر را احساس کرده بودم. شما خود با چشم تان مشاهده نمودید که این احتیاط من چیزی اضافی نبود.

در مورد صحبت تلفونی، کاملاً مطمئن هستم که به همان شکلیکه گفتم صورت گرفته بود. و هرگاه رفقائیکه نزد تره کی بودند این گفته مرا به خاطر ندارند، شخص مترجم حتماً اینرا به خاطر دارد زیرا من با او صحبت نموده بودم. اما اگر شخص مترجم اکنون این حرف را به خاطر ندارد مطمئناً زمانیکه به سفارت برود آنرا به خاطر خواهد آورد و برایتان خواهد گفت که چه واقع شده بود. به هر حال این باور راسخ من است ولی شاید من به خطا رفته باشم. اگر بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.ک.ا.ش" بدین باور است که این اشتباه من به جنبش جهانی کمونیزم صدمه میزند در آنصورت من حاضریم تا به مشوره های آنان گوش داده و هر آنچه را آنها از من میخواهند انجام دهم".

جریانات روز های گذشته بار دیگر مورد بحث قرار گرفت. از جانب ما [ شورویها ] گفته شد که این کاملاً طبیعیست که سیر حوادث برای بعضی افراد به مانند شوک عصبی پیامد هائی را در قبال میداشته باشد. ولی تحریفاتی را که از جانب شاه ولی صورت گرفته است، باید اصلاح نمود.

امین گفت شاه ولی نباید مقصر دانسته شود زیرا او صرف آنچه را به سفرای کشورهای سوسیالیستی بیان نموده بود که آنرا بیروی سیاسی و کمیته مرکزی حزب شنیده بود و آنچه را بیروی سیاسی و کمیته مرکزی شنیده بود، حرفهائی من بود.

اگر گزارش من به بیروی سیاسی و کمیته مرکزی نادرست بوده در آنصورت تقصیر از من است زیرا من آنگونه که حوادث را فکر میکردم باید بوده باشد بیان نموده بودم. اما اگر من محکوم به مرگ شوم در آنصورت من با وجدان آرام خواهم مُرد زیرا هر آنچه را که من انجام داده ام بر مبنای عقاید خودم بوده است. اگر رفقای شوروی آرزو دارند که من کنار بروم در آنصورت حاضرم پلینوم کمیته مرکزی را دایر نموده از مقام منشی عمومی استعفاء بدهم تا بعداً کسی دیگری به این مقام انتخاب گردد".

از جانب شورویها بار دیگر تاکید گردید که شاه ولی دست به تحریف حقایق زده و این عمل او باید اصلاح گردد. امین گفت " اشتباه شاید از من بوده باشد که به بیروی سیاسی و کمیته مرکزی در این باره گزارش دادم. با وجودیکه من به آنها صرفاً واقعیت را گفتم ولی شاید بهتر بود که من اصلاً اینکار را نمیکردم.

در باره جریان حوادث دوستان شوروی برداشت دیگری دارند و من به برداشت و نظرات آنها احترام قایل هستم. ما عمیقاً به دوستان شوروی خود احترام داریم و آماده ایم تا مشوره های آنان را در امورات بین المللی و سیاست خارجی بپذیریم که چه باید بگوئیم و چه نباید بگوئیم. اما در ارتباط به موضوع حاضر من فکرنمیکنم گناهی از من سرزده باشد. من صرف به بیان آنچه بالای من گذشته بود و آنچه عقیده من بود پرداختم و تکراراً میگویم که شاه ولی در آن تقصیری ندارد". در پاسخ به اصرار ما که باید او تصویر روشنتر و دقیقتری از آنچه واقع شده بود را بدهد امین گفت: " آیا میخواهید تا تمام رفقای خویش را دعوت نموده برایشان بگویم که هر آنچه را شنیده اند واقعیت نداشته است؟ من عمیقاً به رفقای شوروی احترام دارم و آماده ام هر چه را بگویند همانطور کنم، ولی فکر میکنید اینکار من درست باشد؟".

شوروی ها باز هم به گفته های شاه ولی که واقعیتها را مسخ نموده بود اشاره نموده خواهان ترمیم آن شده گفتند که در حلقات دیپلوماتیک همین اکنون حرفهائی گفته میشود. معلومات نامطلوبیکه با واقعیتها مطابقت ندارد، میتواند به دست ژورنالیستان غربی بیفتد که در آنصورت آنها به هیچ صورت این فرصت را از دست نداده از آن به خاطر مقاصد شخصی خود استفاده خواهند کرد.

امین گفت "رفقای شوروی هیچ دلیلی ندارند تا نگرانی را به خود راه بدهند. بگذار کسانی از واشنگتن به اینجا آمده خود ببینند که آنها نمیتوانند دوستی ما را خدشه دار سازند. دشمنان ما سراسیمه گشته اند زیرا دیگر امیدی برای شان باقی نمانده است. من به شما وعده میدهم که ما قدم به قدم بطرف کمونیزم به پیش میرویم. ما نباید تشویشی را درباره دوستی و برادری بین کشورهای ما، مردم شوروی و افغانستان و احزاب کمونیست این دو کشور به خود راه دهیم".

امین بار دیگر پیشنهاد نمود تا جانب شوروی میتواند به تکذیب گفته های جانب افغانی [شاه ولی] بپردازد و در اینمورد جانب افغانی اعتراضی نخواهد کرد. و اما از جانب ما [شوروی] باز هم تاکید شد تا حرفهای شاه ولی اصلاح گردد. امین گفت او این موضوع را در نشست بیروی سیاسی کمیته مرکزی مطرح نموده از نتایج آن گزارش خواهد داد.

امین در جریان مذاکره ما با او که به خاطر رسانیدن پیام مرکز به او صورت گرفته بود، سراسیمه به نظر رسیده با آواز بلند صحبت مینمود. او در زمان خداحافظی گفت " شاید من با شما به آواز بلند و اندکی سریع صحبت کرده باشم ولی شما خود میدانید که [ حوادث اخیر] مرا به کوهها بالا نموده بود و من نیز مانند کوه نشینان حرف میزدم".

به تاریخ بیست و نهم اکتوبر ریزیدنسی گزارش داد که امین در مورد واکنش رهبری شوروی در قبال اظهارات شاه ولی وزیر خارجه که در اجلاس سران دول سوسیالیستی در کابل صورت گرفته بود، نگرانی قابل ملاحظه از خود نشان داده است. در جریان ملاقاتیکه نامبرده با نماینده گان "ک.ج.ب." به تاریخ پانزدهم اکتوبر داشت گفت: " از این

موضوع که رهبران شوروی به دلیل ملاقات من با سفیر شوروی پوزانوف، پاولوفسکی، گورلیف و بودگانف که به تاریخ نهم اکتوبر صورت گرفت و در طی آن من از شاه ولی دفاع نموده و تمام مسؤولیت را به عهده خود گرفتم با من مقاطعه نموده اند، شدیداً متأثر شده ام". در پاسخ به امین گفته شد که رهبری اتحاد شوروی نمیتوانست حقایق مهمی چون تلاشیکه درگفتار شاه ولی به منظور متأثر ساختن نقش اتحاد شوروی [ در افغانستان ] و دخیل ساختن آن به شکلی از اشکال در حوادثیکه در خانه خلق در چهاردهم سپتمبر اتفاق افتاد، را نادیده بگیرد. در این میان در یک گزارش ویژه برای بیروی سیاسی کمیته مرکزی "ح.د.خ.ا" نقش نماینده های شوروی در کابل در قبال اوضاع تحریف شده بود.

ریزیدنسی به نقل از منابع افغان ملاحظه نموده بود که امین در زمان حاضر به برخوردش با حزب کمونیست و کشور شوروی به همین شکل فعلی ادامه میدهد ولی او در عین زمان به شکل واضحی تیوری خود مبنی بر سهم مساوی افسران افغان و مشاورین شوروی در اوضاع کشور را مطرح میسازد.  
ادامه دارد